

روزنامه ورزشی صبح ایران // صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی // مدیرمسئول: علی عالی // تلفن: ۱۲ - ۴۱۱۳۰۰ // شماره: ۱۱۷۳ // ۴۲۷۱ // سازمان آگهی ها: ۱۳۰۰ - ۸۸۵۰۱۳۰ // ۸۸۵۲۶۵۸۳ // انتشارات: ۵ و ۸۸۵۲۸۸۲ // امور اشتراک: ۸۸۵۲۸۸۰ // نشانی: تهران، خیابان خورشید، شماره ۸ // صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ - ۵۳۸۸ // چاپ: ایرانیان

www.INN.ir
info@inn.ir
نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13
پنشنه: ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ - شماره ۶۷۰۲ @iranvarzeshi

چندانی نسبت به گذشته نیافته بود اما بالاخره در همین سال بود که اولین تلاشهای ورزش وارد مدارس ابتدایی دخترانه و ایران برای حضور در بازی های المپیک انجام گرفت. امری که می توانست جامعه ایرانی را دگرگون امری که به دلیل فقدان کمیته ملی المپیک در ایران، با موفقیت همراه نشد.



مهدی زادعی

یک سال تاریخی و مهم در ورزش ایران فرا رسید. هرچند رقابت های ورزشی گسترش

آغاز به کار کلوب فوتبال ایران

کتر از یک سال پس از سفر منتخب طهران به بانکوبه و حضور آنها در کنار هم، می توانست تیمی قدرتمند را شکل دهد. تیمی که چند ماه پس از شکل گیری، قهرمان باشگاه های طهران شد. در اولین اعلامیه «کلوب فوتبال ایران» آمده بود چه عموم فوتبالست ها بشارت می دهیم که اولین جلسه کلوب فوتبال ایران

تعداد باشگاه های فعال در ایران

سالنامه ایران در دوازدهمین شماره خود که در روز اول فروردین ۱۳۰۷ منتشر شد، نگاهی داشت به آثار باشگاه های فعال در طهران و شهرستانها. مطابق گفته مجمع ترقی و ترویج فوتبال ایران، تعداد ۲۵ کلوب، عضو این مجمع هستند و کلوب های جدید تأسیس پر شمار نیز شکل گرفته اند که هنوز خود را به این انجمن معرفی نکرده اند. از جمله باشگاه های ثبت شده در مجمع می توان به

ثبت نام مسابقات در گراند سینما

مجمع خیام به ریاست محمد سلطنته و سرپرست ها و کلوب های طهران را بر طبق اساسنامه کلوب فوتبال ایران، با شرایط مخصوصی به مسابقه دعوت می کند. در این مسابقات فوتبال در ۹ تا ۶ بعد از ظهر به اسحاق فرمایشی (فرمایشی زنجانی یکی از نفراتی بود که در کنار آرنولد یاکوبیان، الکساندر لوین، امیل زورکوف و علی ویکلی در همان سال سینما ایران را در لایبراری افتتاح کردند) مسابقات از ۱۵ آبان شروع می شود. کلوب علمیه و کلوب نیروی شرقی نخستین بازی این مجمع را برگزار کردند. جوایز که برای این مسابقات در نظر



گراند سینما

گرفته شده بود، چنین اعلام شد: گلان نقره دوم برای برنده دوم مسابقات در سه سال متوالی، یازده مدال برای برنده اول در هر سال.

بسیست و پنج قران حق ورود مسابقات

مجمع ترقی و ترویج فوتبال در اعلامیه ای که روز ۳۰ آذر ماه در شماره ۲۵۶۳ روزنامه ایران به چاپ رسید، اعلام کرد: کلوب های داوطلب دخول به مسابقات هله السه (اسمال) باید صورت عهده بازیکان، رنگ مخصوص لباس و آرمس کلوب خود را به انضمام بیست و پنج قران حق ورود تا قبل از ۵ دی ۱۳۰۶ به ابوالفضل صدری منشی مجمع در دارالمعلمین ورزش تسلیم و رسید دریافت کنند. یک روز پس از انتشار این اعلامیه، کلوب فوتبال طهران در اعلامیه ای که روز اول دی ماه در شماره ۲۵۶۴ روزنامه ایران به چاپ رسید، به مفاد اعلامیه مجمع اعتراضی کرد و نوشت: «ما همان مندرج در



حسین پورنیا



ونوق الدوله



سهراب ساگینیان

به اهمیت احداث راه آهن سراسری کشور

و پس از یک نسل، کودکان ورزش آموخته تبدیل به جوانانی ورزشکار می شوند. جوانانی که خود می توانند ورزش را در سراسر جامعه گسترش دهند. به نظر می آید به سرعت می خواهند یادگارهای دوران قاجار را پاک کرده و نسلی با جسم و روح سالم پرورش دهند. چنین دورنمایی بود که باعث شد ابوالفضل صدری دبیر مجمع ترقی و ترویج فوتبال در مقاله پیشرفت ورزش در ایران، اهمیت این لایحه را با طعنه های ویرانه کننده در مورد آن بیان کردند. زیرا پیش بینی می شد که به دنبال ترویج ورزش و اجباری کردن آن برای کودکان، به زودی



اولین نسل دانش آموزان ورزشکار

واکروورثیا

داشتند و سه نفره توسط وازیک غازیان، سورن پیرجانیان و قاسم امیریوری به دست آمد. آزاریا ایلخانوف، لئون خاچاپوریان و اکبر خوجینی هم به برنز به دست آوردند تا بوکس ایران از نظر کمیت، بهترین عملکرد خود را برای گذارد. او که تا سال ۱۳۴۴ نایب رئیس فدراسیون بوکس بود، در سال ۱۳۴۶ داور بین المللی بوکس شد؛ عنوانی که تا آن زمان نصیب هیچ ایرانی نشده بود. به این ترتیب مسابقات المپیک رم (۱۹۶۰)، بازی های آسیایی بانکوک (۱۹۶۶) و دو المپیک مونپخ (۱۹۷۲) و مونترآل (۱۹۷۶) دیگر تورنمنت هایی بود که وی در آنها حضور داشت؛ چه به عنوان مربی و مسئول فدراسیون، چه به عنوان داور. وی در ۲۲ آبان ۱۳۹۴ در کالیفرنیا از دنیا رفت.

بوکس ایران در دهه های ۲۰ و ۳۰ شمسی از جمله رشته های پیشرو در بین ورزش های نوین ایران بود و گسترش آن در کشور را می شد با رشته هایی چون وزنه برداری مقایسه کرد. هرچند که در ادامه، بوکس مرکز نتوانست موفقیت های رشته ای چون کشتی و وزنه برداری را به دست بیاورد و از آنها جا ماند. ایران در المپیک ۱۹۵۲ دومین حضور خود را در بوکس المپیک تجربه کرد و نماینده ایران در وزن سوم (۶۰ کیلوگرم) یکی از نفراتی بود که هرچند در المپیک توفیقی کسب نکرد اما بعدها برای مدتی طولانی، نامش با مشت زنی عجیب شد. پطروس نظریگان در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۶ متولد شد و در المپیک



پطروس نظر بنگیان

جواد درفشی جوان



در ورزش ایران نام دو خانواده درفشی جوان و اکبری با ورزش تنیس عجین شده است. خانواده درفشی جوان دو برادر را به نام جواد و جواد درفشی جوان در سال ۱۳۰۶ در مشهد متولد شد و یک سال بعد برادرش جلال به دنیا آمد. آنها در سال ۱۳۱۳ به اصفهان پدر و مادر خود، به تهران آمدند. مدتی در منطقه شاپور زندگی کردند و پس از آن به کوچه اردلان که مقابل درب غربی امجدیه (معروف به درب جایگاه) نقل مکان کردند. دوران دبیرستان آنها در کالج البرز آغاز شد اما چون جواد و جلال قهرمانی هایی در چندین رشته ورزشی داشتند، به آنها پیشنهاد شد که به دبیرستان علمیه بروند و زیر نظر عبدالحمیدی - معلم ورزش آن مدرسه - فعالیت کنند. دو برادر در دوران تحصیل در رشته های ورزشی مختلفی چون شنا و پنجگانه و دوومیدانی در کنار هم فعالیت می کردند.

کوچکتر شد. از مادر خود نیز جوراب کهنه گرفتند و به دسته های راکت بستند. آنگاه در زیرزمین خانه یک طناب بستند و با یکدیگر بازی های تنیس خود را آغاز نمودند. یک بار شیشه زیر زمین را شکستند و یک هفته تنبیه شدند و پول توجیبی هفتگی شان قطع شد. جواد و جلال روزی به بوستان ورزش رفتند. در آنجا از یک خارجی که فارسی صحبت می کرد، راکت و تنوب به امانت گرفتند و با هم بازی کردند. جلال و جواد هر آنچه یاد گرفته بودند، در این بازی به نمایش گذاشتند. بازی آنها کنجکاری همه را برانگیخت و از آنها پرسیدند کجا یاد گرفته اند تنیس بازی کنند؟ پس از اینکه مشخص شد تمام توانایی های آنها در زیرزمین خانه پیاده کردند. تا اینکه قمار شد از آن به بعد در بوستان ورزش به تنیس ادامه دهند. از آن زمان می توانستند از آموزش های معلم فرانسوی تنیس بوستان ورزش استفاده کنند و در همان حال از بازی نغرات با تجربه بیشتر بیاموزند. آنها آموخته های خود را یک سال دیگر در زیرزمین خانه پیاده کردند. تا اینکه منوچهر مستشاری از قهرمانان آن زمان، به جواد و جلال، راکت و تنوب داد و ۱۰ دقیقه با آنها بازی کرد. او در مسابقات ستارگان برادران درفشی جوان را به عنوان اعضای باشگاه نیکام معرفی کرد. در آن مسابقات جلال و جواد در دبل سوم شدند. جواد در سال ۱۳۲۴ در مسابقه با سرگردی امریکایی ناباورانه پیروز شد. پس از آن، هر دو در



جوانی تهران، او به روند عناوین سوم و چهارم خود خانه داد و موفق شد مدال نقره دسته ۹۰ کیلوگرم را از آن خود سازد. یک سال بعد او برای دومین بار در بازی های آسیایی حضور پیدا کرد و دومین مدال طلای خود را به دست آورد. این بار در توکیو و با بازگشت به وزن ۸۲/۵ کیلوگرم. طی این دوران، چنان مدارج ترقی را در تحصیل سپری کرد که حتی در مسابقات نیز با عنوان دکتر رهنوردی از او یاد می شد. در ۱۳۳۱ از دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و هشت سال بعد فوق لیسانس خود را در بهداشت عمومی دانشگاه جان هاپکینز دریافت کرد. دو سال بعد نیز دکترای بهداشت عمومی را از دانشگاه تولین ایالت لوئیزیانا آمریکا گرفت. او بعدها سه دوره نماینده مجلس ملی شد و مدتی کوتاه سرپرست سازمان تربیت بدنی هم شد. در اواخر دهه ۵۰ راهی آمریکا شد و مدیر یک شرکت بیمه درمانی شد.

محمد حسن رهنوردی

رود محمدحسن رهنوردی به وزنه برداری هم مثل بسیاری از هم نسلان خود، به لطف انگیزهای بود که تصاویر و رکورد های جعفر سلماسی در بین جوانان ایجاد کرده بود. رهنوردی در محله کوچه باغ غریز به دنیا آمد. قربانعلی، پدرش ماشینیست (راننده لکوموتور) بود و با توجه به ارتباط با کارکنان روس راه آهن، همزمان باید مترجمی زبان روسی را برای آنان و کارگزاران ایرانی انجام می داد. حقوق ۱۶ تومان او سبب شده بود که رهنوردی در خانواده های مرفه رشد کند. بعدها پدر به بندرشاه منتقل شد و در سال ۱۳۱۱ به تهران انتقال یافت. دوران کودکی رهنوردی در تهران با آبتنی در جوی های خیابان امیریه سپری شد تا آن که همراه خانواده به اندیشک و دزفول و اراک و مازندران رفت. در هنگام تحصیل در دبیرستان بود که همراه با دوستان خود به تمرینات ورزش باستانی پرداخت. دیدن تصاویر جعفر سلماسی بسیاری از مردم را با هالتر وزنه برداری آشنا کرد و رهنوردی هم تمرین با هالتر را آغاز کرد. تمرینات منظم ورزشی، جسم او را که به دلیل مالاریا ضعیف شده بود، قدرتمند ساخت. زمانی که برای آموختن زبان انگلیسی به تهران و انجمن فرهنگی بروین در چهارراه معزالسلطان آمده، این فرصت را یافت که عصرها به تمرین وزنه برداری بپردازد. همان جا بود که با منیر و منوچهر مهران از نزدیک آشنا شد و آنها او را مسئول بخش نشریه نیرووراستی در ساری کردند. قرار شد محمدحسن به ازای هر مجله ۵ ریال برای آنها بفرستد. هرچند فروش نشریات کار دشواری بود اما این حسن را داشت که او را به خوبی با اخبار